



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۴۳	تاریخ	۱۴۰۴ / ۱۰ / ۱۶
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»				
عنوان ۳	تفسیر آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»				
عنوان ۴	تفاوت میان رحمت و نعمت				
عنوان ۵	نسبت بین نعمت و رحمت				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

در این جلسه، بحث بر اساس آیه شریفه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» متمرکز شد و به دو نوع نعمت در قرآن اشاره گردید:

- ❖ نعمت عامه: که شامل همه انسان ها می شود.
- ❖ نعمت خاصه (تامه): که از طریق ولایت (تعیین ولی و اطاعت از او) حاصل می شود و انسان را به کمال می رساند.

سپس به رابطه بین نعمت و رحمت پرداخته شد. رحمت نیز مانند نعمت به دو دسته تقسیم می شود:

- ❖ رحمت عامه: که شامل همه است (همان طور که در «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آمده است).
- ❖ رحمت خاصه: که مختص افراد خاصی است، مانند کسانی که تقوا پیشه کرده اند.

تفاوت اصلی بین نعمت و رحمت در این است که نعمت مسئولیت آور است و انسان در مورد آن مورد سؤال قرار می گیرد؛ درحالی که رحمت چنین نیست.

در ادامه، به تفسیر آیات سوره ابراهیم پرداخته شد و تأکید گردید که نعمت های الهی، به ویژه نعمت ولایت، مسئولیت آور هستند و نیاز به شکرگذاری دارند.

سرانجام، نسبت بین نعمت و رحمت بررسی شد و مشخص گردید که نعمت یکی از مصادیق رحمت الهی است و وقتی رحمت به نعمت تبدیل می شود، مسئولیت می آورد.

درآمد بحث

بحث ما در ادامه، بر پایه آیه شریفه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» متمرکز شد و به این نتیجه رسیدیم که بنابر تتبع و تفحص، نعمت در قرآن کریم بر دو گونه است:

❖ ۱. نعمت عامه: که شامل همگان می شود؛

❖ ۲. نعمت خاصه (نعمت تامه): که اتمام نعمت است و تحقق آن از طریق ولایت (تعیین ولی برای مردم و تبعیت و اطاعت از او) میسر می شود و انسان را به منتهای کمال می رساند و ولی، واسطه اتمام همه نعمت های الهی بر انسان است..

سپس، به رابطه میان نعمت و رحمت پرداختیم. این دو واژه در قرآن، بسیار به کار رفته اند و شباهت زیادی در قرآن دارند. مشابه نعمت، رحمت نیز به دو دسته تقسیم می شود:

❖ ۱. رحمت عامه: که شامل همگان است و در آیه «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» بدان اشاره رفته؛

❖ ۲. رحمت خاصه: که مختص افراد خاصی است؛ چنان که خود فرموده است: «... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ»^۱.

رحمت عامه، همان رحمتی است که (وسعت کل شیء)؛ اما رحمت مکتوبه ای که (سأکتبها) به همگان، اختصاص ندارد.

گفتیم که این آیه به درخواست حضرت موسی علیه السلام از خداوند متعال است که: «وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ ...»^۲؛ این حسنه، همان به قدرت رسیدن دین الهی به دست حضرت موسی علیه السلام است. حضرت می گوید: امروز، دین تو به قدرت رسید و ما فرعون را نابود کردیم؛ الواح را به ما عنایت فرمودی و قانون شریعت را به ما ارزانی داشتی و «إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ» لذا ما آماده اجرای احکام تو هستیم. اکنون که این حسنه را به ما مرحمت فرمودی، «اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً» و این حسنه را برای ما همیشگی و دائم ساز.

اگر این حسنه برای بنی اسرائیل، دائم می ماند، به معنای بقای دولت الهی تا روز قیامت در میان ایشان بود و وعده الهی به ملاء ارض قسطاً و عدلاً نیز در ادامه آن، محقق می گشت؛ یعنی اسلام، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ائمه هدی و امام زمان علیه السلام نیز ادامه دهنده حکومت او می بودند. این یک درخواست بسیار بزرگ بود که موسی علیه السلام از خدا خواست تا حکومت فراگیر نهایی نیز به دست او انجام پذیرد؛ لذا خداوند در پاسخش فرمود:

«عَدَايُ أَصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ»؛

و سپس اهل تقوا را چنین توصیف فرمود:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ...»^۳؛

۱. سوره اعراف: ۱۵۶.

۲. همان.

۳. همان: ۱۵۷.

یعنی کسی که دولت پایانی و فراگیر الهی و حکومت عدل به دست وی محقق می شود، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای او، مخصوصاً وصی خاتم او، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

تفاوت میان رحمت و نعمت

براساس آنچه در آیات کریمه قرآن آمده، تفاوت هایی میان رحمت و نعمت، وجود دارد: اولین و شاید مهم ترین تفاوت میان رحمت و نعمت، این است که نعمت، مسئولیت آور است. پرسشگر: در روایات، دختران را رحمت و پسران را نعمت شمرده اند. استاد: بله، «البنات رحمة و البنون نعمة»؛^۱ و این شاهد بر همین عرض ماست که علت نعمت بودن بنون، آن است که «یسأل عنها»؛ اما بنات چون رحمتند، انسان درباره آنها مورد سوال، واقع نمی شود؛ بلکه در برابر تربیت و حفاظت از ایشان، انسان، مأجور است.

برخلاف رحمت که مسئولیت آور بودن آن در قرآن، تأکید نشده است، درباره نعمت، این تأکید بسیار شدید است. خداوند در مسئولیت آور بودن نعمت، فرموده است: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^۲؛ اما پیرامون رحمت، چنین خصوصیتی ذکر نگردیده است.

به نحوی می توان گفت که سوره ابراهیم عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوره هایی است که واژه «نعمت» هم از لحاظ تعداد تکرار و هم از لحاظ تبیین، به شکل ویژه ای در آن مطرح شده است و از این نظر، از سوره های ویژه قرآن به شمار می رود. در بخشی از این سوره می فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾
* وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...^۳

گویا عبارت: «اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» در ادامه فراز: «وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ» در آیه قبل آمده و مصداق آن، محسوب می شود یا به نوعی، چگونگی عملکرد موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر تذکر ایام الله است.

تطبیق ایام الله بر ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایاتی که از ائمه معصومین عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما رسیده خیلی باید تدبیر کرد. یکی از مطالبی که در روایت آمده، این است که «ایام الله» به ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است؛ لذا می توان این معنا را در این آیه، تقریب کنیم به اینکه از «وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ» به «ذکرهم بنعم الله» تبدیل شده و گفتیم که ائمه هدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نعم تامه الهی اند؛ لذا اینجا یک شاهد قرآنی بر این مسأله یافتیم که ائمه هدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «ایام الله» هستند.

۱. البته متن روایت این گونه است: «الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ الْبَنُونَ نِعْمَةٌ فَإِنَّمَا يُثَابُّ عَلَى الْحَسَنَاتِ وَيُسْأَلُ عَنِ النِّعَمَةِ»؛ [الكافي؛ كتاب العقیقة، باب فضل البنات، ح ۸].

۲. سوره تكاثر: ۸.

۳. سوره ابراهیم: ۵ و ۶.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدْعُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ * وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۱؛

این آیه، اهمیت بسیاری دارد؛ چون قانونی که با «تَأَذَّنَ» اعلام می شود، قانونی شامل، فراگیر و تعیین کننده است. اذان، اعلام است و در سوره براءت هم می فرماید: «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...»^۲ که ناظر به همین اعلام است. «تَأَذَّنَ»، نوعی تأکید بر این اذان است و روشن می سازد که اذان عادی و صرف اعلام نیست؛ بلکه اعلام مورد تأکید خداوند است.

پرسشگر: ...

استاد: اینجا تأکید شده است. «تَأَذَّنَ» از همان ماده «اذان» است و قطعاً نشان از تأکید بر اذان دارد. معمولاً «اذان» در باب تفعیل به کار برده نمی شود؛ گرچه «مؤذِّن» گفته می شود. اما به هر حال، «تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ» به این معناست که خود را در جایگاه اعلام، قرار داد و اعلام کرد؛ لذا این را اعلام مؤکد، محسوب کردیم.

﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾؛ ناظر به مسئولیتی است که نعمت به دنبال دارد و نشان می دهد که نعمت، یک مقوله مسئولیت آور است که به شکر، نیاز دارد؛ لذا اگر شکر کنید، افزایش می یابد و چنانچه کفران نعمت شود، عذاب الهی را به دنبال می آورد.

به طور کلی می توان گفت که کلیه آیات سوره ابراهیم عبرانی به همین نعمت های الهی، مخصوص نعمت ولایت، اشاره دارد. در یکی از آیات سوره می فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَأِ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ * جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ * وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ﴾^۳؛

در حقیقت، فراز: «وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا» تفسیر و ببیین جمله: «بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ» است؛ یعنی بدین صورت، نعمت را تبدیل کردند و تغییر دادند. هر جا که در قرآن، «جعل انداد» به کار رفته، به معنای آن است که فرمانروایی غیر از خدا انتخاب کردند؛ چون فرمانروایی، مقوله ای است که خداوند متعال به هیچ روی در آن، مسامحه نمی کند و در آن، شریک نمی پذیرد؛ یعنی صاحب فرمانی را غیر از خدا قبول کند و در حق الطاعه او، قائل به شراکت شود. این به هیچ وجه، از سوی خدا پذیرفته نیست؛ لذا فرمود:

﴿... لَا يُشْرِكْ فِي حُكْمِهِ أَحَدٌ﴾^۴؛

﴿... لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ...﴾^۵؛

﴿وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ...﴾^۶؛

۱. همان: ۶ و ۷.

۲. سوره توبه: ۳.

۳. سوره ابراهیم: ۲۸ - ۳۰.

۴. سوره کهف: ۲۶.

۵. سوره اعراف: ۵۴.

۶. سوره شوری: ۴۴.

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ...﴾^۱؛

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَبِيرًا﴾^۲.

اینها همه، تأکیدی است که نشان می دهد خدا در مسأله فرمانروایی، شریک پذیر نیست. «ند» هم به معنای فرمانروایی در کنار خداست که در این زمینه، هم دوش او قرار داده می شود. ظاهر آیه این است که ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا﴾ ادامه آیات کریمه قبل است که فرمود: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ * جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ﴾؛ همان کسانی که ﴿بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا﴾ کسانی اند که ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِن مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ﴾. در بخشی از این سوره هم می فرماید:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ * وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ * وَآتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا...﴾^۳؛

که به همان نعمت عامه، اشاره دارد. لذا به نظر ما سوره ابراهیم ع از آغاز تا انجام، حول محور شکر نعمت الهی و مسئولیتی است که نعمت ایجاد می کند و نشان می دهد که نعمت، مسئولیت آور است.

نسبت بین نعمت و رحمت

پس یک فرق اساسی بین نعمت و رحمت، این است که نعمت، مسئولیت آور است؛ اما رحمت، چنین نیست؛ هرچند که باید توجه داشت نعمت، مصداق رحمت است.

بنابراین، بین رحمت و نعمت، رابطه عموم و خصوص مطلق، وجود دارد و یکی از مصادیق رحمت الهی، همین نعمت تامه ای است که خدا به بندگان عناية می فرماید. البته این نوع از رحمت که رحمت نعمتی است، مسئولیت آور است؛ یعنی اگر رحمت، به نعمت تبدیل شد، مسئولیت می آورد.

پیش تر، اشاره شد که روند آفرینش، دارای یک صدور و رجوع است و لذا رحمت به «رحمت صدوری» و غیر آن، تقسیم می شود که رحمت صادرة، به سوی خداوند باز می گردد و در آیاتی هم به آن پرداخته شده است؛ مانند:

﴿يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ...﴾^۴؛

که ﴿يَدْعُوكُمْ﴾ به همین رحمت راجعه، اشاره می کند.

﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾^۵.

۱. سوره آل عمران: ۲۶.

۲. سوره اسراء: ۱۱۱.

۳. سوره ابراهیم: ۳۲ - ۳۴.

۴. سوره اسراء: ۵۲.

۵. سوره انبیاء: ۱۰۴.

رجوع به سوی خداوند نیز به دو صورت، انجام می گیرد:

➤ رجوع وفدی؛

➤ رجوع وردی؛

رجوع به سوی خدا توسط مردم، صورت می گیرد و نعمت مسئولیت آور، مخصوص موجودات صاحب اختیار است. وقتی رحمت الهی به نعمت، تبدیل می شود، به موجودات مختار، تعلق می گیرد و اینان در حرکت راجعه خود به سوی خدا، به دو گونه، عمل می کنند: یک رجعت موفق و سعادت آمیز؛ یک رجعت ناموفق و ذلیلانه همراه با شکست و خشم الهی که رجعت ورودی (وردی) نام دارد.

آنچه این رجعت را به رجعت وفدی و به سوی بالا تبدیل می کند و بشر را مشمول ندای «ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً»^۱ می گرداند، ولایت ولی الهی است؛ لذا می فرماید:

«أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَفْدُ إِلَى اللَّهِ»؛

رئیس وافدان، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام بعد از ایشان هستند.

ادامه این بحث مهم را به جلسه آینده، موکول می کنیم. این بحث هم به شکلی کلامی است و هم مربوط به علم الاجتماع.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين